

لزوم اصلاح فرمول جنگالی نرخ گذاری خوراک

لزوم اصلاح فرمول جنگالی نرخ گذاری خوراک

امیرضا اعلا باف / کارشناس بازار سرمایه: ایران با حدود ۳۳ میلیون میلیون مترمکعب ذخایر گازی، رتبه دوم منابع گازی جهان را دارد که سهم بیش از ۱۷ درصدی از کل منابع جهان است. با میزان مصرف کنونی این ذخایر می‌توانند بیش از ۱۶۰ سال دوام داشته باشند. صادرات گاز ایران بیشتر با کشورهای همسایه است. با ترکیه قراردادی ۱۰ میلیارد مترمکعب سالانه دارد که کف تحقق این قرارداد ۸ میلیارد مترمکعب است و از طریق توسعه خطوط گازی صورت می‌گیرد. گاز به دو صورت صادر می‌شود: از طریق خط لوله گازی و تبدیل آن به گاز مایع (LNG). نکته اینجاست توانایی تولید گاز مایع در کشور وجود ندارد.



زیرا مستلزم فناوری و سرمایه گذاری پیشرفته است و چالش‌هایی در حوزه حمل و نقل هم وجود دارد. اگر روی خطوط گازی حساب باز کنیم، به سبب گستردگی خط لوله‌های گازی روسیه عملاً این کشور می‌تواند به عنوان مانع عمل کند، چراکه گاز بخش بزرگی از اروپا را روسیه از طریق خطوط گازی نورداستریم یک و دو تامین می‌کرد. حضور گاز ایران در بازار باعث می‌شود روسیه قدرت چانه‌زنی در اروپا را از دست بدهد و به همین سبب دایره صادرات گاز ایران به کشورهای همسایه محدود شده است. با وجود اینکه ایران دارای دومین ذخایر گازی است، به دلیل کمبود سرمایه گذاری در این حوزه نمی‌توانیم برداشت و تولید مناسبی داشته باشیم. نخستین تولیدکننده گاز طبیعی ایالات متحده آمریکا است و رتبه تولید ایران نسبت به آمریکا اختلاف معناداری

دارد. فرمولی که برای صنایع تعریف شد شامل یک میانگین موزون از چهار هاب بین‌المللی بزرگ دنیا، هاب‌های داچ‌تی‌تی‌اف (Dutch TTF)، بی‌پی (BP) انگلستان، هاب‌های هنری و آلبرتا آمریکا که به 50 درصد وزن این فرمول به نرخ گاز صادراتی ایران متصل شده؛ همراه با یک سقف قیمتی 50 هزار ریالی در هر مترمکعب گاز طبیعی. مشکل اساسی این است که دو هاب اروپایی که در اینجا لحاظ شدند کشورهای مصرف‌کننده گاز هستند و طبیعی است که در این هاب‌های گازی نرخ همیشه بالا است. همان چیزی که در هاب‌های آمریکایی وجود ندارد زیرا این کشور تولیدکننده است. اعمال این هاب‌ها در فرمول نرخ‌گذاری اعتراضات زیادی به دولت معطوف کرد چون یک سوال میلیون دلاری وجود دارد؛ چرا دومین کشور ذخایر گازی باید نرخ خوراک صنایع را به هاب‌هایی گره بزند که مصرف‌کننده هستند و آن را از روسیه می‌خرند؟ با توجه به اینکه ما امکان بهره‌برداری و صادرات در سطح کلان نداریم، حداقل کاری که می‌توان انجام داد حمایت از صنایع گازی است. آخرین فرمولی که تصویب شد بسیاری از واحدهای متانول را به تعطیلی کشاند که یکی از آنها متانول کاوه بود. تعریف یک فرمول منطقی خواسته عجیبی نیست فقط کافی است بهای تمام شده محصولات این صنایع را بررسی کنیم که میزان تاثیر نرخ خوراک بر بهای تمام شده مشخص شود.

علاوه بر بحث فرمول، ایجاد بازاری بر اساس مکانیزم عرضه و تقاضا برای گاز یکی از پیشنهادهای کارشناسان است. بازاری که بهای واقعی گاز در آنجا پیدا شود و تولیدکننده و مصرف‌کننده آنجا به خرید و فروش پردازند. این یکی از مکانیزم‌هایی بود که اکثر تحلیلگران روی آن متفق‌القول هستند. موضوع دیگر کاهش سقف 5 هزار تومانی نرخ خوراک به 3 هزار و 600 تومان است، این قدم می‌تواند حرکت مفیدی باشد به شرطی که نرخ گاز کشورهای تولیدکننده بیش از سقف تعیین شده باشد؛ زیرا اگر نرخ کمتر باشد عملاً نرخ خوراک واحدهای صنعتی دوباره پیرو کشورهای مصرف‌کننده می‌شود. خبر اصلاح سقف نرخ خوراک، خبر مفیدی بود و می‌تواند امید به تولید را به صنایع برگرداند. همچنین می‌توان با بهینه‌سازی به کاهش مصرف پرداخت، این امر مستلزم تجهیزات پیشرفته‌ای است که تحریم‌ها اجازه دسترسی به آن را نمی‌دهند. بسیاری از تجهیزات صنایع فرسوده هستند و سالانه به این سبب میلیاردها تومان هزینه به صنایع تحمیل می‌شود. به شرط دسترسی به تحریم‌ها می‌توان به بهینه‌سازی امید داشت.